

**بر فهای سپید سرگردان** با فیلم کوتاهی سرشار از خلاقیت، سادگی و در عین حال فلسفی مواجه هستیم. در این اثر خارج از عرف معمول فیلمسازی و قلب‌بندی، زندگی پیرزنی که لحظات آخر عمر خود را می‌گذراند، مرموز می‌شود. نویسنده، فیلمبردار، تدوینگر، کارگردان و تهیه‌کننده «بر فهای سپید سرگردان» یک نفر است: محمدرضا وطن دوست.



**«هن میترسم»** فیلمی در مذمت کینه‌ورزی و لجبازی است و مشابه آثار قبلی بهنام بهزادی، هم نویسندگی هم کارگردانی و هم تهیه‌کنندگی آن با خودش است. پیش‌بینی می‌شود با توجه به داستان آن، احتمالاً این فیلم مثل آثار قبلی او، در این جشنواره با استقبال منتقدان مواجه شود.



**کارگردان فیلم «پدران» از دردمسرهایی که برای تولید نخستین اثرش داشت، به «صبا» گفت:**

# یک فیلمنامه، هشت تهیه‌کننده سه بار پیش تولید!

محمدرضا کاظمی

نام سالم صلواتی به دلیل خاص بودنش از آن اسم‌هایی است که بدون شک در خاطر خواهد ماند. البته این نام تا به امروز برای دوستداران فیلم کوتاه و علاقه‌مندان به این حوزه، شناخته شده است و از امسال به بعد هم قرار است علاقه‌مندان به سینمای بلند هم با آن بیشتر آشنا شوند. او با سابقه چندین سال کارگردانی فیلم کوتاه، حالا به عنوان یک فیلم اولی در بخش نگاه نو حضور دارد. اگرچه او پیش از این و در سال ۹۳ نیز در جشنواره حضور داشت، ولی به دلیل فرمت نسخه نهایی کار، فیلمش به عنوان یک فیلم بلند سینمایی پذیرفته نشد و به همین دلیل «پدران» را به عنوان نخستین فیلم بلندش به ثبت رساندند؛ اتفاقی که باعث شد این فیلم از سودای سیمرغ بیرون بماند و در بخش خارج از مسابقه، برای سیمرغ مرموزی و سیمرغ بخش نگاه نو تلاش کند. البته با توجه به مشخص شدن گاندا پداهای سیمرغ مرموزی، این کارگردان باید امیدوار باشد که فیلمش صرفاً در بخش نگاه نو، با اقبال مواجه شود. چند روز پیش از اگران در جشنواره فیلم فجر، با صلواتی؛ کارگردان خوش صحبت فیلم «پدران» به گفت‌وگو نشستیم.



تصاویری از فیلم «پدران»

**و تهیه‌کار و بازیگران، چهره‌های شناخته‌شده و ناشناس همزمان حضور داشتند. این تیم را چطور دور هم جمع کردید؟**

این فیلم دو حسن داشت. اولی فیلمنامه خوبی که دستم بود؛ ثری از محمدرضا گوهری که جزو فیلمنامه‌نویس‌های خوب سینمای ایران است و دیگری همکاری با شهرام مسلخی برای تهیه‌کنندگی کار. مادر طول سال‌های اخیر برای این فیلمنامه با لایحه‌کننده صحبت کردیم و حتی دوبار پیش تولید فیلم را هم آغاز کردیم. ولی هیچکدام از آن‌ها نهایی نشد. ارتباط گرفتن با شهرام مسلخی اتفاق خوبی برای این فیلم بود چون او خودش فیلمساز است و قرار گرفتند در کنار محمدرضا گوهری، تیم خوبی را شکل داد و همین ماجرا دست من را در انتخاب بازیگر و دیگر عوامل باز گذاشت. برای من از همه چیز مهم‌تر این بود که بتوانم انتخاب‌های درستی داشته باشم. در خصوص بازیگران هم نکته حائز اهمیت این بود که چه بازیگران حرفه‌ای و چه بازیگران کمتر شناخته‌شده، باید افراد درستی برای نقش‌هایی بودند. به همین دلیل سعی کردیم ترکیبی از بازیگران خوب در این فیلم داشته باشیم. یکی از سرمایه‌های اصلی این کار، کسلی هستند که در مقابل دوربین بودند، از بازیگران شناخته‌شده تا بازیگران بومی همدان.

**با تمام این نکات فکر می‌کنید که این تیم اثری قابل قبول ساخته است و در جشنواره جابجا اقبال مواجه می‌شود؟**

به نظر من مهم این است که مخاطب با کار ارتباط برقرار کند. امیدوارم این فیلم حال مردم را خوب کند. مخصوصاً در این روزها که اتفاقات تلخ فراوانی رخ داده است ما قرار است فیلم بسازیم. موسیقی کار کنیم. نقلی‌هایمان را بنمایش بگذاریم. تئاتر اجرا کنیم. تا هنر حالمان را بهتر کند.

**به عنوان سوال آخر، فکر می‌کنید در اختتامیه دست پر خواهید بود؟**

متأسفانه فیلم‌ها در بخش فیلم‌های اول است و عوامل آن در بخش‌های گوناگون نامزد نمی‌شوند. به نظر من این اتفاق درستی نیست که در جشنواره فجر رخ می‌دهد. فیلم که برای حضور در جشنواره انتخاب شد، حال خوبی به ما دست داد و این انرژی وجود داشت که در اختتامیه مثل مایلی آثار در همه بخش‌ها جزو نامزدهای سیمرغ باشد، اما این اتفاق رخ نداد. اگرچه انتظار ویژه‌ای هم برای گرفتن جایزه در ما وجود ندارد. این به هیچ وجه بزرگ‌شمایی و شعار دادن نیست چون واقعاً آن انرژی ولادت و هیجانی را که باید داشته باشیم، ندارم اما در مجموع امیدوارم فیلم‌ها بر و مندی باشد.

**ما قرار است فیلم بسازیم، موسیقی کار کنیم، نقاشی‌هایمان را به نمایش بگذاریم، تئاتر اجرا کنیم تا هنر حالمان را بهتر کند**



چالش‌ها عبور کردیم و حالا فیلم در مرحله‌ای است که مخاطب باید آن را ببیند و در موردش نظر بدهد.

**فیلم را در چه شهری ساختید؟**

در همدان.

**جلب است، چون فیلم‌های قبلی شما اکثراً در کردستان تولید شده و همگی بازیگران کردی بودند، اما برای فیلم اول بلند به سراغ شهر دیگری رفتید.**

بله همه فیلم‌های من به زبان کردی بوده است. حتی فیلم بلند قبلی‌ام «زمستان آخر» که در جشنواره‌های داخلی و خارجی هم حضور خوبی داشت. این فیلم در نزدیک به سی تاسی و پنج فستیوال بین‌المللی حضور یافت و ۱۵ جایزه گرفت، اما در ایران آن‌طور که انتظار می‌رفت دیده نشد. درست است که این اثر در جشنواره فجر سال ۹۳ حضور داشت، اما همان موقع به نتیجه رسیدم و اگران و دیده شدن یک فیلم در ایران نیاز به مولفه‌هایی دارد که باید در کار باشد. به هر حال سینمای بلند، سینمای کوتاه نیست که شما بخواهید در شهری دور از تهران آن را بسازید و زیاد متکی بر مرکز نیابید. اما اگر بخواهید یک فیلم بلند بسازید، به دلیل ساز و کاری که در این خصوص وجود دارد، لازم است معرفی درستی به سینمای بلند ایران و مخاطبان سینما داشته باشید.

**این معرفی درست دقیقاً به چه دلیل خوب است؟**

به این دلیل که برای فیلم‌های بعدی از نظر جذب سرمایه و نگاه مخاطب عام، خاص و منتقدان، تأثیر گذار است و می‌تواند کمک کند که شما و سینمایتان جدی‌تر دیده شوید. به همین دلیل من شهر دیگری به جز شهر زادگاهم را انتخاب کردم. شاید بعد از این فیلم هم در جغرافیای دیگری به جز کردستان فیلم بسازم. ولی پروژه‌هایی که در سر دارم همه مربوط به کردستان است. یکی از دلایل ساختن فیلم «پدران» این بود که بتواند اثر خوبی برای معرفی مناسب من به سینمای ایران باشد تا برای ساخت فیلم‌های بعدی دست‌وپالم بازتر باشد.

**کمی هم به عوامل کار پیر دازیم. در میان تیم نویسدگی**

**مادر فیلم «پدران»، با چه قضایی رویه‌ری می‌شویم و کلا در سالن سینما چه نوع فیلمی در انتظار ماست؟**

«پدران» یک فیلم اجتماعی در مسیر فیلم‌های قبلی من است. در «روایهای برفی» رابطه خودم و مادر را به تصویر کشیدم و «اگر بروم» در مورد رابطه من و پدرم است. فیلم «پدران» هم به رابطه بین نسل‌ها و درک و تعاملی که بینشان وجود دارد، برمی‌گردد.

**پس مشخص است که دغدغه‌ها و رابطه خانوادگی دارد. به طور خاص در فیلم «پدران» شاهد چه چیزی هستیم؟**

این قصه‌ای است که عنوانش در دوره‌های مختلف کار شده، ولی چالشی است که همیشه برای هر نسلی وجود دارد. من بایدم، یامن با پدرم و حتماً پدر من با پدرش و پسر من با پسرش درگیر ماجراهایی بوده‌ایم و می‌شویم و این مساله همیشه است. فیلم درمی‌دارد که معمایی در آن هست و باعث می‌شود جذابیت خاصی برای مخاطب داشته باشد و او را وادار کند که قصه را دنبال کند. فیلم تعلیقی دارد که خوشایند است و هر چه که پیش می‌رود لایه‌هایی از این آدم‌ها زندگی‌شان و شناختی که کم‌کم به دست می‌آید به مرور باز می‌شود. فکری که منم این اثر برای مخاطب جذاب باشد، چون قصه‌ای دارد که تماشاگر تا آخر آن را دنبال می‌کند.

**در راه تولید این فیلم با چه دردمسرهایی مواجه شدید؟**

بزرگ‌ترین چالش برای فیلمسازان اول، چالش جذب سرمایه است، به خصوص وقتی به سراغ تهیه‌کننده‌هایی روی و آن‌ها هر بار یک جمله تکراری را که خوشایند هم نیست، مطرح می‌کنند و می‌پرسند «خودت چقدر سرمایه داری؟» یا «چه میزان سرمایه جذب کردی؟». به نظر من این بزرگ‌ترین چالش برای فیلم اول است، هر چند من قبل از این هم فیلم بلند کار کرده بودم. چالش بعدی این بود که چون از سینمای کوتاه آمده بودم و مدیوم قصه تعریف کردنم در قالب فیلم کوتاه بود، باید دید گاهم را تغییر می‌دادم و طبق مدیوم بلند سینمایی پیش می‌رفتم. این مشکلی بود که در کارهای برخی از دوستانم که پیش از نسخه بلند، فیلم کوتاه می‌ساختند شاهدش بودم و به همین دلیل برخی آثار بلند فاقد جذابیت مورد نیاز این مدیوم از کار درمی‌آیند. این چالش‌ها در کنار اینکه بخوایم در شهری که از زادگاهت دور است و تو شناختی از جغرافیا و فرهنگش نداری، یک فیلم بسازی و با همه این شرایط مجبور بشی آن فضای قصه را درست تعریف کنی، از سختی‌های اصلی این کار بود. اما خدا را شکر از این



تصاویری از فیلم «پدران»

